روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

چهارشنبه | ۲۹ فروردین ۱۴۰۳ | ۸ شوال ۱۴۴۵ | ۱۷ آوریل ۲۰۲۴ | سال شانزدهم | شماره ۴۰۱۶ | ۸ صفحه | ۳۰۰۰ تومان

۱۱۸۷ سال و ۲۰۶ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ | VOL.16 | NO.4016 | WED.APR.17, 2024 | ISSN:2008-2886

تیم کشتی فرنگی ایران
با ۴ مدال طلا، ۳ نقره و ۲ برنز قهرمان آسیا شد

قهرمانی قاطعانه

صفحه ۶

پوتین در گفت‌وگو با رئیسی:
پاسخ ایران بهترین روش برای تنبیه متجاوز بود

اسرائیل را خوب زدید

صفحه ۲

رژیم صهیونیستی حالا نه بازدارندگی دارد
نه عمق راهبردی و نه میدانی برای عرض‌اندام

درمانده

«وعده صادق» ایران
راهبرد «جنگ در میان جنگ‌ها»
را به شکست کشاند

اگر اسرائیل دوباره خطا کند
ایران در عرض چند ثانیه
پاسخ می‌دهد

سریع و خشن

گزینه‌های موشکی ایران
برای دور دوم انتقام

صفحه ۲

عکس: Getty images

شروین طاهری: رژیم خبیث طی ۳ ربع قرن موجودیتش، همواره در تلاش بوده در داخل سرزمین‌های اشغالی و پیرامون آن، هر چه بیشتر و بیشتر برای خود فضاسازی کند. این هم از ماهیت صهیونیستی این رژیم، مطابق همان توهم تلمودی گستردگی سرزمین موعود بنی‌اسرائیل از نیل تا فرات یا از کوه صهیون تا رود جیحون نشأت می‌گیرد و هم یک ضرورت ژئوپلیتیک برای رژیمی است که اساسا به عنوان پادگان غرب در میانه خاورمیانه، لازم بوده یک قدرت منطقه‌ای باشد.

دست و پا زدن صهیونیست‌ها برای توسعه سرطانی قلمرو و حوزه نفوذ سرزمینی خود، به واقعیات جغرافیایی هم مربوط می‌شود. سرزمین فلسطین که تحت اشغال اسرائیلی‌ها قرار گرفته، عرض کمی دارد که در عریض‌ترین نقطه - بین مرز رفح تا ساحل جنوبی بحرالمیت - تنها به ۱۱۵ کیلومتر می‌رسد؛ مسافتی که یک خودروی معمولی می‌تواند در یک ساعت طی کند یا یک موشک عادی حزب‌الله لبنان می‌تواند به راحتی نقطه‌زنی کند. به طور معمول این عرض بسیار کمتر هم هست. یک جت جنگنده نسل سوم می‌تواند فاصله ۷۳ کیلومتری رود اردن تا دریای مدیترانه را در ۴ دقیقه طی کند. درباره نسل جدید موشک‌های رضوان این زمان یک دقیقه، برای پهپادهای جت ایران ۷ دقیقه و درباره پهپادهای حزب‌الله و انصارالله ۱۰ دقیقه به طول خواهد انجامید. به این ترتیب قلمروی امروزی سگ هار آمریکا در منطقه ما با آنکه ظاهرا با موانع جغرافیایی یعنی دریای مدیترانه در غرب، صحرای سینا، صحرای نقب و دریای سرخ در جنوب، رود اردن و بحرالمیت در شرق، ارتفاعات جلیل و بلندی‌های جولان در شمال شرق و ارتفاعات بنت‌جبیل و دره‌رود لیتانی در شمال احاطه شده اما کماکان یک نقطه ضعف تاریخی در برابر هر نیروی تهدیدگر خارجی دارد و آن فقدان عمق راهبردی است.

به همین دلیل از روز نکبت تا امروز، همواره دغدغه سرکردگان رژیم منحوس این بوده که به هر طریقی، عمق راهبردی خود را افزایش دهند. آنها این روند را پی گرفته‌اند؛ از لابی سیاسی برای اعمال نفوذ لندن و واشنگتن بر پادشاهی دست‌نشانده هاشمی در اردن، بویژه با روی کار آمدن شاه حسین در دهه ۱۹۵۰ میلادی تا تصرف مناطق فلسطینی ۱۹۴۸ شامل کرانه باختری رود اردن، و قدس شرقی، غزه، صحرای سینا (مصر) و بلندی‌های جولان (سوریه) در جنگ ۶ روزه (۱۹۶۷) و سپس تجاوز به جنوب لبنان (۱۹۸۱)، همه و همه اقداماتی بودند که فضای عمل لازم را برای میدان‌داری نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه فراهم آوردند.

در زمینه نظامی، راهکار رژیم برای جبران فقدان عمق راهبردی، تاکید بر ۳ مؤلفه هوش، قدرت مانور و شلیک اول بوده است. در این راه آمریکا و انگلیس، با فراهم کردن مدرن‌ترین ناوگان هوایی نظامی به مدت ۷ دهه به آن برتری تقریبا مطلق هوایی بر همسایگان عربش بخشیدند. به عنوان مثال رژیم متجاوز همچنان با بهره‌گیری از این مزیت هوایی، حملاتی را از لبنان، عراق و سوریه تا یمن ترتیب می‌دهد.

در سومین دهه موجودیت رژیم منحوس (۱۹۷۰)، بازدارندگی سیاسی، اقتصادی و هسته‌ای نیز در دستور کار تل‌آویو قرار گرفت. مهم‌ترین راهبرد، دکترین هسته‌ای بود. بر اساس این راهبرد اسرائیل به هیچ عنوان توانایی پذیرش شکست در یک جنگ را ندارد پس باید با حفظ بازدارندگی، از جمله گزینه حق تقدم، به دنبال وارد آوردن ضربات هر چند نامتعارف در خارج از مرزها به حریف باشد. موشک‌های دوربرد و هواپیماهای نظامی با قابلیت حمل تسلیحات هسته‌ای و همین‌طور زیردریایی‌ها، قرار است دکترین بازدارندگی هسته‌ای را با گزینه سامسون یا حمله همه‌جانبه روز مبادا به تهدیدگر خارجی حمایت کنند.

تل‌آویو در دولت گلدا مایر با همکاری فرانسوی‌ها، تولید مشترک تسلیحات هسته‌ای را از ۱۹۶۷ آغاز و تا سال ۱۹۸۰ زرادخانه خود در دیمونا را تکمیل کرد. با این حال در سال‌های اخیر، بویژه پس از افشاگری‌های داخلی درباره زرادخانه هسته‌ای، رژیم تحت فشارهای بین‌المللی تلاش کرده هر چه بیشتر وابستگی‌اش را به بازدارندگی نامتعارف با دکترین هسته‌ای کاهش داده و به جای آن به برتری مطلق متعارف برسد. در این دوره همچنین شرکت‌های حمل‌ونقل و خطوط دریایی بزرگ متعلق به سرمایه‌داران یهودی، در پوشش تجاری نقش یک ناوگان دریایی عظیم فراقاره‌ای و فراقیانوسی را برای تل‌آویو بازی کردند.

سپس قرارداد ننگین کمپ دیوید (۱۹۷۸)، آغاز رسمی رویکرد صهیونیست‌ها برای توسعه حوزه نفوذ سیاسی و اقتصادی‌شان در خاورمیانه برای به دست آوردن عمق راهبردی در دوران پس از تثبیت میدانی بود. متاسفانه این خیانت سادات و حاکمیت مصر چنان تاثیری بر تامین عمق راهبردی دوره صلح صهیونیست‌ها گذاشت که حتی می‌توان گفت روند موازی شکل‌گیری دکترین هسته‌ای اسرائیل این قدر موثر نبود. اگر انقلاب اسلامی در همان سال‌ها در ایران پیروز نمی‌شد، می‌توان گفت رژیم منحوس بدون تهدید جدی نظامی پیرامونی برای مدت بعیدی تثبیت می‌شد.

■ ظهور سد مقاومت

طی ۵ دهه پس از انقلاب اما جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در قامت تهدیدی میدانی برای تثبیت این غده سرطانی ظاهر شده‌اند. امواج متوالی انتفاضه و جهاد گروه‌های مبارز فلسطینی که اشغالگران را در داخل درگیر می‌کند، به موازات پیروزی مقاومت لبنان بویژه در جنگ ۳۳ روزه (۲۰۰۶)، ترمز توسعه‌طلبی نظامی اسرائیل را کشید و عملا رشد فیزیکی این غده سرطانی را متوقف کرد.

هر چه جلوتر آمده‌ایم، جبهه مقاومت نه‌تنها فضای لازم برای پیاده‌سازی راهبرد بازدارندگی اسرائیل به واسطه برتری مطلق متعارف را تنگ‌تر کرده، بلکه حتی در لحظاتی مسیر تنفس صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی را بسته است. این موضوع نقطه ضعف دیگر این رژیم جعلی و پادگانی را عیان می‌کند و آن وابستگی به قدرت‌های خارج از منطقه بویژه آمریکا برای ادامه حیات است. تلاش‌های عظیمی که سلطه غربی دوشادوش صهیونیست‌ها در سال‌های اخیر برای تداوم بخشیدن به حیات این غده به واسطه تعمیم دادن پیمان کمپ دیوید به دیگر کشورهای عربی خاورمیانه تحت عنوان توافق آبراهام یا حتی پیوند زدن امنیت عمومی اسرائیل با پروژه ترانزیتی بزرگ عرب مود به هندوستان و اتحادیه اروپایی انجام داده، منجر به شکل‌گیری فضایی امن و کافی پیرامون یا حتی در داخل فلسطین اشغالی نشده است. با شکست لیبرالیسم، روند اوضاع جهان و خاورمیانه به سمت آنارشی پیش می‌رود و راهبردهای امنیتی و نظامی بر ائتلاف‌های صرفا سیاسی و تجاری ارجحیت می‌یابد. امروز با جبهه‌های متعدد و مستقلی که پیرامون فلسطین اشغالی گشوده شده، یک میدان نظامی تمام‌عیار به رهبری ایران پیرامون فلسطین گشوده شده که رژیم غاصب را به وضعیت قبل از تثبیت میدانی به واسطه بازدارندگی سیاسی، تجاری و هسته‌ای بازگردانده است. در چنین وضعیتی رژیم غاصب دریافته دیگر حتی به اندازه دهه پیش، نمی‌تواند به فضاسازی پیرامونی بپردازد. این به منزله شکست راهبرد یک دهه اخیر آنها یا همان «نبرد در میان جنگ‌ها» است. این راهبرد با سوءاستفاده از فتنه تکفیری در عراق و شامات از سال ۲۰۱۳ آغاز شد و هدف آن بستن مسیر ارتباطی مقاومت لبنان و فلسطین با سرچشمه انقلاب به واسطه تضعیف حکومت مرکزی سوریه و دور نگه داشتن ایران از مرزهای فلسطین اشغالی با ایجاد کمربندی امنیتی به وسعت ۴۰ تا ۸۰ کیلومتری در جولان اشغالی بود. با این ترفند، اسرائیل امیدوار بود به میدان‌دار اصلی در وضعیت آشفته خاورمیانه تبدیل شود.

شکست داعش و به حاشیه رانده شدن القاعده باعث شد اسرائیل و متحدان آمریکایی، اروپایی و عربی‌اش نتوانند برخلاف پیش‌بینی‌ها کنترل کریدور جنوب سوریه را به دست گیرند. به رغم اشغالگری آمریکایی‌ها در شمال و شرق سوریه و حدود ۳۰۰ حمله هوایی اسرائیلی به پایگاه‌ها، فرودگاه‌ها، ترمینال‌ها، انبارها و تاسیسات مختلف نظامی و غیرنظامی سوریه و حتی در مرز بوکمال با عراق - که گاه از طریق حریم هوایی اردن انجام می‌شود - هر چه گذشته دسترسی ایران به سواحل شرق مدیترانه از جمله فلسطین اشغالی بیشتر شده است. تسلط نرم و سخت ایران در میادین مزبور، فضایی اندک برای جنگ‌افروزی پیرامونی صهیونیست‌ها در چارچوب راهبرد «نبرد در میان جنگ‌ها» باقی گذاشته است.

از طرف دیگر شعبه‌های مقاومت، خودکفایی نظامی کامل‌تری پیدا کرده‌اند. حتی اگر یمن و عراق را که زیر سایه قدرت گروه‌های مقاومت قرار دارند، خارج از میدان‌های موثر پیرامون فلسطین اشغالی بدانیم، لبنان خود به یک سد بزرگ برای این راهبرد شکست‌خورده بدل شده است. نواف الموسوی، مسؤول منابع حزب‌الله و معاون پیشین مجلس لبنان ۳ هفته پیش فاش کرد حزب‌الله پس از آغاز جنگ غزه سرعت ذخیره تسلیحات خود را حداقل ۶ برابر کرده است. انجام عملیات توفان الاقصی توسط حماس نشان داد نقطه‌ضعف اصلی رژیم صهیونیستی یعنی فقدان عمق راهبردی چقدر جدی است، چرا که مبارزان فلسطینی با سبک‌ترین سلاح‌ها، در کمتر از نصف روز سوار بر موتوسیکلت یا حتی با پای پیاده، از مرزهای شرق غزه نیمی از عریض‌ترین بخش قلمروی رژیم صهیونیستی را پیمودند.

سپس عملیات دریایی که انصارالله یمن از اواسط پاییز گذشته با هدف متوقف ساختن جنایت‌های اسرائیل علیه غزه در دریای سرخ و تنگه باب‌المندب آغاز کرد، نقطه ضعف دیگر رژیم یعنی وابستگی به خارج را با تحدید شدن شریان‌های حیاتی اشغالگران فلسطین عیان کرد. ورود ایران به عملیات فرابحری مشابه، می‌تواند خفگی شهرکنشین‌ها را تضمین کند. با توجه به ائتلاف قدرتمند ایران، روسیه و مقاومت در سوریه، حالا اسرائیلی‌ها با این واقعیت مواجه شده‌اند که آخرین امید میدان‌داری در منطقه را که جنوب لبنان بود از دست داده‌اند. در واقع آنها از زمان حمله به غزه طی ۶ ماه اخیر وارد یک روند قهقرایی شده و برای نخستین بار صرفا مشغول جنگ داخلی در غزه و کرانه باختری یا پاسخگویی منفعلانه به حملات خارجی موشکی و پهپادی از ۴ جبهه مختلف جنوب لبنان، سوریه، عراق (از طریق آسمان اردن) و یمن بوده‌اند. گشوده شدن جبهه‌ای مهلک مستقیما از خاک ایران، بدترین کابوسی بود که صهیونیست‌ها انتظارش را می‌کشیدند.

■ قبض روح متجاوز از کالبد تسخیری

تنها ۶ ماه و ۳ هفته بعد از عملیات توفان الاقصی و کمتر از ۲ هفته بعد از جنایتی که اسرائیلی‌ها با هدف قرار دادن ساختمان کنسولی جمهوری اسلامی علیه بشریت و موازین بین‌المللی مرتکب شدند، این نقطه ضعف بزرگشان نیز توسط ایران به چالش کشیده شد. رژیمی که مدعی برخورداری از چهارمین ارتش قدرتمند جهان است با عملیات تاریخی «وعده صادق» برای نخستین بار در دوران حیات ننگین ۷۶ ساله‌اش، خود را نه فقط از زمین بلکه از آسمان نیز تحت سیطره جبهه مقاومت دید.

سپاه پاسداران با ذره‌ای از توان دورزنی خود، فوجی قاهر و ویرانگر شامل حدود ۴۰۰ پرتابه مختلف بر سر دشمن نازل کرد که اگرچه هنوز در این مورد اطلاع‌رسانی رسمی انجام نشده اما به نظر می‌رسد این پرتابه‌ها ترکیبی از حدود ۲۰۰ پهپاد شاهد ۱۳۶ و پهپاد توربوجت شاهد ۲۳۸ و همچنین موشک‌های کروز پاوه و بالستیک خیبرشکن و عماد بوده است.

ادامه در صفحه ۶

تیترهای امروز

گزارش «وطن امروز» از سناریوهای مختلف درباره واکنش اسرائیل به حمله موشکی ایران

بازی با آتش

■ رویترز: آمریکا به اسرائیل هشدار داد توان جنگ با ایران را ندارد

صفحه ۷

پروژه سد و نیروگاه «اوماواویا» در سریلانکا که با دانش مهندسان ایرانی احداث شد بزودی به بهره‌برداری می‌رسد

پروژه نیم‌میلیارد دلاری

صفحه ۳

بذرپاش: تأمین زمین نهضت ملی مسکن تا تابستان امسال به ۱۲۰ هزار هکتار می‌رسد

تأمین زمین نهضت مسکن

صفحه ۳

سیل و آبگرفتگی در ۱۷ استان کشور؛ بارندگی‌ها همچنان ادامه دارد؛ سیستان‌وبلوچستان در آماده‌باش ۱۰۰ درصد است

بازگشت سیل به جنوب

صفحه ۴

نگاهی اجمالی به تولیدات سینمای ایران با موضوع ارتش جمهوری اسلامی همزمان با روز ارتش

سینمای پرمخاطب

صفحه ۸

نگاه

تنبیه سریع متجاوز

مهدی گرگانی: تنبیه صهیونیست‌ها از سوی ایران در پی حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق که منجر به شهادت ۷ نفر از فرماندهان نیروی قدس سپاه پاسداران و مستشاران نظامی ایران در سوریه شد خیلی سریع و زودتر از چیزی که تصور می‌شد به حقیقت پیوست.

یکشنبه شب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اقدامی جسورانه با صدها پهپاد و موشک بالستیک و کروز، مناطق مختلف اراضی اشغالی را هدف حمله گسترده و کوبنده خود قرار داد.

۱- قبل از هر چیز باید تصریح کرد ایران در یک اقدام قانونی به حمله غیرقانونی رژیم صهیونیستی پاسخی درخور داد. ساختمان‌های کنسولگری طبق کنوانسیون ژنو دارای مصونیت از هر حمله و تجاوز هستند و حمله اسرائیل به کنسولگری ایران نقض فاحش قوانین بین‌المللی بود. حمله ایران به خاک فلسطین اشغالی قانونی بود به این دلیل که طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد در این موضوع «دفاع مشروع» در برابر متجاوز انجام شد.

۲- پاسخ ایران به اقدام تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی خیلی سریع و غافلگیرانه انجام شد، طوری که وسعت آن برای بسیاری از کارشناسان غربی غیرقابل انتظار بود. «جرمی بوئن» خبرنگار ارشد شبکه بی‌بی‌سی گفته، چیزی که مشخص است این است که ایران از یک «خط قرمز بزرگ» عبور کرد و مستقیما به خاک اسرائیل حمله کرد. حالا وظیفه اسرائیل و شرکایش کشیدن خطی زیر این اتفاقات و جلوگیری از تکرار دوباره‌شان است.

تحلیلگران غربی می‌گویند حمله ایران به اسرائیل از آنچه انتظار می‌رفت بسیار شدیدتر و گسترده‌تر بود و حالا توپ در زمین اسرائیل است که بخواهد گام بعدی را بردارد یا نه.

سردار سرلشکر حسین سلامی، فرمانده سپاه پاسداران گفته است «هر گونه اقدام دوباره رژیم صهیونیستی با پاسخی قاطع‌تر و شدیدتر مواجه خواهد شد» و این، شرایط را برای کابینه جنگ تل‌آویو بسیار بغرنج کرده است؛ اگر پاسخ ندهد بازدارندگی ایران را تثبیت کرده و اگر پاسخ دهد بیم یک ضربه دردناک‌تر وجود دارد. امر مسلم اینکه تاریخچه تقابل ایران و رژیم صهیونیستی از این پس به قبل و بعد از حمله موشکی و پهپادی ایران به فلسطین اشغالی تقسیم خواهد شد.

۳- اقدام تنبیهی ایران که تنها یک سیلی محکم به رژیم صهیونیستی بود و نه حتی انتقام، نه‌تنها هیمنه نظامی اسرائیل و آمریکا را در هم شکست، بلکه هزینه‌های مالی و خسارات مادی زیادی روی دست صهیونیست‌ها گذاشت. یوآو گالانت، وزیر جنگ این رژیم رسما اذعان کرد با کمک ایالات متحده، فرانسه، انگلیس و برخی کشورهای دیگر با موشک‌ها و پهپادهای ایران مقابله کرده‌اند.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت روز

درود بر سلیمانی
هر گاه که آسمان فلسطین روشن می‌شود

جمهوری اسلامی برای منطقه نعمت است

[علی عسکری]

در میان فیلم‌هایی که از شب حساس عملیات انتقام ایران مخابره می‌شد، قاب‌ها و فریم‌های زیادی در تاریخ ماندگار شد. تصویر موشک‌ها بر فراز آسمان کربلا، مسجدالاقصی و... همگی در ذهن و حافظه مردم منطقه باقی خواهد ماند اما در میان همه این فیلم‌ها و تصاویر، یک فیلم متفاوت نیز بسیار چشم‌نوازی می‌کرد و آن هم هیجان و خوشحالی غیر قابل وصف مردم در شهر الخلیل بود که کاملا هیجان‌زده، بر بام خانه‌های خود شعار «به خاطر خون قاسم سلیمانی»، «درود بر سلیمانی هرگاه که آسمان فلسطین روشن می‌شود»، «سیدعلی خامنه‌ای همان کسی است که به یاری زنان غزه شتافت» و «یالثارات الغزه» سر می‌دادند. این ویدئو را باید در کنار تصاویر مردم ایران قرار دهیم که همان شب هیجان‌زده در خیابان‌های تهران و دیگر شهرها شعار لبیک یا غزه سر می‌دادند. این تکه فیلم‌ها تنها نشانه‌هایی از رخدادی بزرگ‌تر است که ما از آن تحت عنوان «مقاومت، نقطه اتحاد جان‌ها» یاد می‌کنیم. لازم است ۲ سطح از سیاست‌ورزی را از یکدیگر تفکیک کنیم. کشورها در یک تقسیم‌بندی کلی به ۳ دسته تقسیم می‌شوند؛ نخست کشورهای استراتژیک هستند. این دسته از کشورها، اصطلاحا نقشه خود را برای جهان داشته و در نقشه کشور دیگری بازیگری نمی‌کنند. این کشورها هر یک به دنبال خلق نظمی جدید در نسبت با خود بوده، از همین رو برای خویش جایگاهی محوری در مناسبات جهانی لحاظ می‌کنند. برای نمونه کشورهایی همچون آمریکا، روسیه و چین جزو کشورهای استراتژیک در عرصه جهانی هستند. در مرتبه بعد اما کشورهای ژئوپلیتیک قرار دارند. این کشورها دارای طرح و ایده‌ای برای نظم نوین جهانی نیستند اما ممکن است به واسطه موقعیت سوق‌الجیشی، دسترسی به منابع حساس انرژی یا هر دلیل دیگری دارای نقش مهمی در منطقه باشند. برای نمونه عربستان و ترکیه کشورهایی با چنین مختصاتی هستند. در دسته سوم نیز کشورهای عادی قرار دارند که حائز جایگاه خاصی در مناسبات جهانی نیستند. برای مثال کویت چنین کشوری است. ذکر این دسته‌بندی مقدمه‌ای برای طرح ۲ مدل از سیاست‌ورزی بود. به احتمال زیاد هر گاه نامی از سیاست انگلیسی برده می‌شود، به طور ناخودآگاه شعار «تفرقه بینداز و حکومت کن» به ذهن همه خطور می‌کند. این جمله هم پیچیده‌ترین سیاست انسانی تاریخ معاصر و هم تاریخ یک قرن گذشته غرب آسیا را در قالبی مختصر و کوتاه توضیح می‌دهد. برای توضیح بیشتر باید گفت منطقه غرب آسیا در یک قرن گذشته بویژه پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی در جنگ اول جهانی، همواره درگیر اختلافات و نزاع‌های گوناگون ملی، قومی و دینی بوده است. ریشه این موضوع را اما می‌توان به رفتار و عملکرد استعمار برای ملت‌سازی‌های دروغین در این منطقه بازگرداند. به نحو دقیق‌تر در میانه فروپاشی دولت عثمانی، ما شاهد آن هستیم با رضایت روسیه، ۲ کشور فرانسه و انگلیس طی قرارداد سایکس - پیکو منطقه را میان خود تقسیم می‌کنند. با گذار از دوره استعمار سنتی و افزایش سطح آگاهی مردم برای دستیابی به حق استقلال، استعمارگران پیر و کهنه‌کار جهانی اما سیاست پیچیده‌تری را به کار گرفتند تا هر چند به ظاهر نیروهای نظامی خود را از منطقه جمع می‌کنند اما همواره بتوانند منطقه را تحت کنترل خود نگه دارند. سیاست آنان را می‌توان ذیل کلیدواژه از بین بردن اراده سیاسی در منطقه توضیح داد. برای توضیح بیشتر یک مثال را طرح می‌کنیم. کشور عثمانی که در جریان جنگ اول جهانی از بین رفت چگونه کشوری بود؟ فرآیند انسجام‌یابی آن چگونه بود؟ به عبارت دیگر چه مولفه‌ای عثمانی را شکل داد و تبدیل به یک امپراتوری بزرگ کرد؟ طبیعتا همه ما می‌دانیم عنصر قومی ترک‌ها در شکل‌گیری این امپراتوری نقش پررنگی داشته است اما حقیقت آن است که عثمانی ترک‌بنیاد نبود، چرا که در قلمرو خود گروه‌ها و تکثرهای مختلف دیگری را نیز جمع کرده بود. قلمرو عثمانی شامل فلسطین، سوریه و حتی بخش‌هایی از عربستان نیز می‌شد. این قلمرو را اما یک نظریه سیاسی تحت عنوان «نظریه خلافت» شکل داد، لذا عثمانی یک اراده سیاسی بود. در حقیقت کشورهایی که اراده سیاسی هستند در ذیل نقشه‌های دیگر کشورهای استراتژیک خود را قرار نمی‌دهند، لذا خود یک کشور استراتژیک هستند. این موضوع را می‌توان پیرامون ایران ما نیز طرح کرد. هدف استعمار طی یک قرن گذشته زدودن اراده‌های سیاسی از منطقه غرب آسیا بوده است. این منطقه به واسطه تاریخ بسیار غنی، دین پر از پتانسیل اسلام و موقعیت حساس جغرافیایی کاملا ظرفیت ظهور اراده‌های سیاسی را در خود داشته است که می‌توانستند نظم جدید آمریکایی را در جهان متزلزل کنند. بر همین اساس تمام همت استعمار زدودن اراده‌های سیاسی از منطقه بوده است.

ادامه در صفحه ۶